

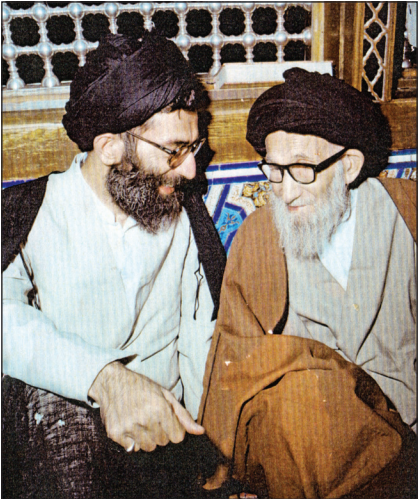
نگاه **علی احمدی فراهانی؛** تاریخ‌پژوه

وقتی مقام معظم رهبری

توفیق خویش را از رسیدگی به پدر می‌شمارند

انسان می‌تواند با خدا معامله کند!

در صفحه امروز تاریخ، سخن از عالم باتقوا و زاهد، شادروان آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای در میان است. هم از این روی بازخوانی تحلیلی خاطره‌ای از رهبر معظم انقلاب اسلامی، در باب توقیقات ناشی از ادای دین به پدر، به‌هنگام می‌نماید. این یادمان، نشان از آغازین سالیان دهه ۴۰ دارد. آنگاه که آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در عداد فضلی‌قم به‌شمار می‌رفت و آینده‌ای درخشان برای وی پیش‌بینی می‌شد. با این همه ایشان در همان دوره، در می‌یابد که پدر در مشهد، بیمار است و به کمک وی نیاز دارد؛ «مرحوم پدرم در سنین پیری، تقریباً بیست و چند سال قبل از فوتش که مرد ۷۰ساله‌ای بود، به بیماری آب‌چشم که چشم انسان را نابینا می‌کند، دچار شد. بنده آن وقت در قم بودم. تدریجاً در نامه‌هایی که ایشان برای ما می‌نوشت، این روشن شد که ایشان چشمش درست نمی‌بیند. من به مشهد آمدم و دیدم که چشم ایشان محتاج به دکتر است. مدتی ایشان را به دکتر بردم و بعد برای تحصیل به قم برگشتم، چون من از قبل ساکن قم بودم. باز ایام تعطیل شد و من مجدداً به مشهد رفتم و کمی به ایشان رسیدگی کردم و دوباره برای تحصیلات به قم برگشتم، اما معالجه پیشرفتی نمی‌کرد! در سال ۱۳۴۳ بود که من ناچار شدم ایشان را به تهران بیاورم چون معالجات در مشهد جواب نمی‌داد، امیدوار بودم که دکترهای تهران، چشم ایشان را خوب خواهند کرد. به چند دکتر که مراجعه کردیم، ما را مایوس کردند، و گفتند: هر دو چشم ایشان معیوب شده و قابل معالجه و اصلاح نیست! البته بعد از ۲-۳ سال، یک چشم ایشان



۱۳۵۸، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در کنار پدرشان آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای: «اگر پدر را رها می‌کردم و به قم می‌آمدم، ایشان مجبور بود در گوشه‌ای در خانه بنشیند و این برای من خیلی سخت بود. ایشان با من هم یک انسی به‌خصوصی داشت. با برادرهای دیگر این قدر انسی نداشت. با من دکتر می‌رفت و برایش آسان نبود که با دیگران به دکتر برود. بنده وقتی نزد ایشان بودم برایشان کتاب می‌خواندم و با هم بحث علمی می‌کردیم و از این رو با من مأنوس بود…»

معالجه شد و تا آخر عمر هم چشم‌شان می‌دید اما در آن زمان مطلقاً نمی‌دید و باید دست‌شان را می‌گرفتم و راه می‌بردیم، لذا برای من غصه در دست شده بود.اگر پدر را رها می‌کردم و به قم می‌آمدم، ایشان مجبور بود در گوشه‌ای در خانه بنشیند و قادر به مطالعه و معاشرت و هیچ کاری نبود و این برای من خیلی سخت بود. ایشان با من هم یک انس به‌خصوصی داشت. با برادرهای دیگر این‌قدر انس نداشت. با من دکتر می‌رفت و برایش آسان نبود که با دیگران به دکتر برود. بنده وقتی نزد ایشان بودم برایشان کتاب می‌خواندم و با هم بحث علمی می‌کردیم و از این رو با من مأنوس بود…»

بیماری چشم پدر، موجب ملالت آیت‌الله خامنه‌ای می‌شود و ایشان را بر سر درواهی قرار می‌دهد. ایشان در ادامه فعالیت علمی در قم یا بازگشت به مشهد، مردد می‌شوند و با یکی از دوستان روشن ضمیر، به مشورت می‌نشینند. رهبر انقلاب سسر انجام اقامت در مشهد را برمی‌گزینند و بعدها توقیقات علمی و عملی خویش را از رهگذار این تصمیم قلمداد می‌کنند؛ «به سراغ یکی از دوستانم -که در همین چهارراه حسن آباد تهران منزلی داشت- رفتم. مرد اهل معنا و ادم بامعرفتی بود. قضیه را با من گفتم. گفت: اگر اهل دنیا هم باشم دنیای من در قم است، اگر اهل آخرت هم باشم، آخرت من به منزل آمدم. و آخرت من در قم است، من باید از دنیا و آخرتم بگذرم که با پدرم بروم و در مشهد بمانم. تأمل مختصری کرد و گفت: شما بیباک یکی کاری بکن و برای خدا از قم دست بکش و برو و در مشهد بمان، خدا دنیا و آخرت تو را می‌تواند از قم به مشهد منتقل کند!... من تأملی کردم و دیدم عجب حرفی است. انسان می‌تواند با خدا معامله کند! تصمیم گرفتم. دلم باز شد و ناگهان از این‌رو به آن رو شدم، یعنی کاملاً راحت شدم و با حال بنشاط و آسوده به منزل آمدم. والدین من که دیده بودند من چند روزی است ناراحتم، تعجب کردند که من بشاشم، گفتم: زنگ من تصمیم را گرفتم که به مشهد بیایم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعترافم این است که ناشی از همان بزرگی است که نسبت به پدر بلکه به پدر و مادرم انجام داده‌ام…»



اشاراتی در باب حیات علمی و عملی زنده‌یاد آیت‌الله سیدجواد حسینی خامنه‌ای

از تبار قدسیان

در جوار مضجع شریف حضرت (رضاع)، در جنب دارالغیض حرم رضوی به خاک سپرده شد.

پدرم با امام سوابق زیادی داشت

رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله‌العلظمی سیدعلی خامنه‌ای، در فرازهایی از خاطرات خویش از سیره پسر ارجمندشان آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای، به از تباط دیرین آن زنده‌یاد با امام‌خمینی(ره) اشارت برده‌اند که مهم‌روشنگر می‌نماید: «پدرم با امام سوابق زیادی داشت. از دوران جوانی با ایشان دوست بودند. یکی دویاری که پدرم قدم‌ها با آقای خمینی ملاقات کردند. وقتی که من به منزل امام می‌رفتم، دو سه جمله با ایشان احوالپرسی می‌کردیم، که مثلاً: اجازه بفرمایید، می‌خواهم مسافرت بکنم، مشهد بروم، ایشان یک خرده احوال مشهد و احوال پدرم را می‌پرسیدند.

پس از آزادی امام از حبس و حصر هم، وقتی من با پدرم وارد اتاق ایشان شدم، احساس کردم که ایشان از وضع چشم پدرم قدری ناراحت شدند! دست‌شان رویدر روی خوانده‌بود من در رانگه داشته و توی دست خودشان فشاری دادند. من احساس کردم محبت، تشویق و اظهار لطف خاصی است.» از این طریق، مستقیماً در جریان وقایع این نهضت قرار داشت. هنوز نوجوان بود که پدرش در گذشت. در ۱۲۹۷ه‍.ش به مشهد رفت. همسواری با حرم رضوی(ع)، زندگی او را وارد مرحله جدیدی کرد. وی پس از درگذشت مادر تصمیم گرفت برای همیشه در مشهد بماند. بعد از حدود اسال اقامت در مشهد، راهی حوزه علمیه نجف شد و محضر استنادی چون آیات عظام: محمدحسین نائینی، آقاضیاء عراقی و سیدابوالحسن اصفهانی را در ک کرد و پس از چند سال حضور در درس آیت‌الله نائینی، از ایشان اجازه اجتهاد و روایت گرفت و بعد از هسال به مشهد بازگشت. پس از درگذشت همسر اول، با خدیجه میردامادی، دختر آیت‌الله حاج سیدهاشم نجف‌آبادی میردامادی، ازدواج کرد و صاحب ۵ فرزند شد که آیت‌الله سیدعلی استنادی دومین آنهاست. او به‌رغم آنکه پس از بازگشت از نجف، عالم و مجتهد برجسته‌ای بود، ولی تمایلی به تدریس نداشت و هرگز در طول زندگی، به‌دنبال معرفی خویش نبود. وی این روحیه را تا آخر عمر حفظ کرد و حتی در زمانی که فرزندانش رئیس جمهور و نماینده مجلس بودند نیز در همان خانه محقر قدیمی زندگی می‌کرد و برای زیارت اقاامام (رضاع) هم با وانت کهنه یکی از دوستان که دنبالش می‌آمد، هم حرم می‌رفت. آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای به‌رغم این همه دوری جستن از تعلقات دنیوی، از مبارزه با طاغوت غافل نبود و مثل اغلب علمای شیعه، از حاکمیت پهلوی تنفر داشت، به‌خصوص به‌خصوص به‌فرقتهای پهلوی رضاخانی را با گوشت و پوست خود احساس کرده بود. ایشان در هیچ‌یک از مراسم‌هایی که رژیم برگزار می‌کرد، حتی مراسم موزه آستان قدس رضوی(ع) که بسیاری از موجهین و علما می‌رفتند، شرکت نمی‌کرد. آیت‌الله خامنه‌ای از قدیم‌الایام، روابط صمیمانه‌ای با امام‌خمینی (ره) داشت. آشنایی آنها به یکی از سفرهای امام به مشهد در اوایل دوره رضاشاه برمی‌گشت، که ایشان با واسطه یکی از دوستانش با امام خمینی آشنا شد و او را به منزلش دعوت کرد. در سال ۱۳۴۳، زمانی که رژیم پهلوی امام(ره) را به ترکیه تبعید کرد، در اعتراض به این حرکت، نماز جماعت خود در مسجد صدیقی‌ها را تعطیل کرد. این روحانی زاهد و ساده‌پسنت، بعد از ۹۱سال عمر باعزت و ۵۰سال فعالیت تبلیغی و دینی و امامت جماعت، در چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۵ درگذشت.

امام‌خمینی (ره) در پیامی ایشان را شخصیتی توصیف کردند که عمری را با تعهد و تقوا و علم سپری کرد. پیکر آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای، در پانزدهم تیرماه با تشییع باشکوه مردم مشهد و اقامه نماز توسط آیت‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی

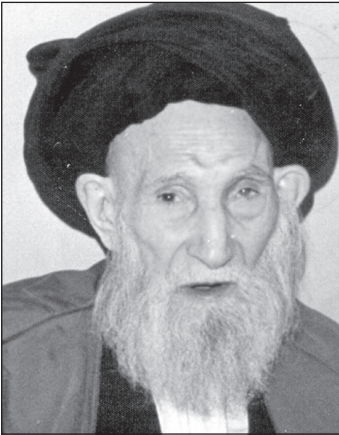
تاریخ



اشاراتی در باب حیات علمی و عملی زنده‌یاد آیت‌الله سیدجواد حسینی خامنه‌ای

از تبار قدسیان

پدرم با چند نفر از علمای مشهد، نظیر آیت‌الله سیدعلی اکبر خویی، آیت‌الله میرزا حبیب‌ا… ملکی، آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای -که همه آنها اذری‌زبان بودند- ارتباط نزدیکی داشتند. پدرم هنگامی که از محله چهارباغ به سمت مسجد گوهرشاد حرکت می‌کردند، آیتا… سیدجواد خامنه‌ای را ملاقات می‌کردند و پس از گفت‌وگویی کوتاه، به حرم مطهر امام (رضاع) می‌رفتند. آیتا… خامنه‌ای نیز هر بار برای اقامه نماز به مسجد صدیقی‌ها می‌رفتند، در براب راه سری به منزل ما می‌زدند. برادر بزرگ‌ترم برایم تعریف می‌کرد، که وقتی رهبر معظم انقلاب به دنیا آمدند، پدرم با مرحوم آیت‌الله خامنه‌ای در بالاخیابان رویه‌رو شدند. ایشان به پدرم گفتند: خداوند به من پسری عطا کرده است که اسمش را علی گذاشته‌ام. پس از آن پدرم را به منزل آیت‌الله سیدهاشم میردامادی پدر همسر خود دعوت کردند، تا در آزادی امام از حبس و حصر هم، وقتی من با پدرم سیدجواد خامنه‌ای عالم بسیار فاضلی بود. یکی از نزدیکان من که کتاب مکاسب شیخ انصاری را نزد آنفر از بزرگان حوزه مشهد، یکی ایشان و عالم دیگری خوانده‌بود، خاطرنشان می‌کرد که قوت علمی آیتا… خامنه‌ای بسیار بالاتر از آن فرد دیگری بوده است. من از ایشان نکات ارزنده‌ای آموختم. با وجود آنکه آن بزرگوار از تباط اجتماعی زیادی نداشتند، اما مردم ارادت بسیاری به ایشان داشتند. یکی از ویژگی‌های فردی آیت‌الله خامنه‌ای، مخالفت شدیدشان با حکومت پهلوی بود. به‌تنها پهلوی بیزار بودند. آیتا… سیدجواد خامنه‌ای، در آن زمان با همسر و فرزندانشان نیز از حکومت پهلوی بیزار بودند. امام جماعت بودند. بنده چندین بار پشت سر ایشان نماز خواندم. آن موقع ایشان، هنوز در مسجد گوهر شاد نماز اقامه نمی‌کردند.



آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای در اولین سالهای حیات

محمد مهدی عبدخدایی: «آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای هر بار برای اقامه نماز به مسجد صدیقی‌ها می‌رفتند، در بین راه سری به منزل ما می‌زدند. برادر بزرگ‌ترم تعریف می‌کرد، وقتی رهبر معظم انقلاب به دنیا آمدند، پدرم با مرحوم آیت‌الله خامنه‌ای در بالاخیابان رویه‌رو شدند. ایشان به پدرم گفته بودند: خداوند به من پسری عطا کرده است که اسمش را علی گذاشته‌ام. … پس از آن پدرم را به منزل آیت‌الله سیدهاشم میردامادی، پدر همسر خود، دعوت کردند تا در گوش مقام معظم رهبری اذن و اقامه بگویند…»

پدرم با چند نفر از علمای مشهد، نظیر آیت‌الله سیدعلی اکبر خویی، آیت‌الله میرزا حبیب‌ا… ملکی، آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای -که همه کسبه آن منطقه، برای اقامه نماز به مسجد صدیقی‌ها می‌آمدند. هنوز آن شکوه معنوی نماز جماعت آیتا… خامنه‌ای در خاطرم مانده است…»

تجسم تقوا و زهد

مرضی نجفی‌قدسی از فعالان فرهنگی کشور، در زمره آنان است که در جوانی به محضر آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای بار یافته است. وی از سبک زندگی آن زاهد خاک‌نشین، گزارشی ارائه می‌کند که بس روش‌سنگر و درس‌آموز می‌نماید. شمه‌ای از این روایت، به‌ترتیب ذیل آمده است:

«حدود ۴۰سال پیش در یکی از سفرها که به مشهد مقدس مشرف شده بودم، توفیقی یار شد تا خدمت یکی از عالمان مهذب و باتقوا شرفیاب شوم. این عالم پرهیزگار، حضرت آیت‌الله حاج سیدجواد خامنه‌ای والد بزرگوار رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بود. خاندای که این روحانی وارسته در آن می‌زیست، منزلی بسیار ساده، سبکی و با امکانات محدودی در مشهد مقدس داشت. در آن زمان، من خود نیز با اینکه فرزندان نامداری دارم و حداقل یکی از آنها رئیس‌جمهور کشور است و دیگران نیز هر کدام دارای مقامات و مراتبی هستند، مع‌ذکب در چنین خانه‌ای محقر و در یک اتاق کوچک ۹ متری، در کنار انبوهی از کتاب‌های بسیار قدیمی زندگی می‌کنند و عجیب‌تر آنکه این پیرمرد و پسران بسیار باهوش، خدمتکاری نداشتند و در عین حال با مهمان اینقدر گشاده‌رو بودند. من خود شرمنده شدم که چرا برای آنها مزاحمت ایجاد کرده‌ام، مخصوصاً وقتی که عیال ایشان سینی چای را در دست گرفته و با زحمت‌از پله‌های طبقه پایین به بالا می‌آمد، تا از مهمان پذیرایی کند. به هر حال صفا و ساده‌پستی آنها بسیار مرا تحت‌تأثیر قرار داد. در این دیدار ایشان توصیه فرمودند که هر وقت برای زیارت حضرت امام علی(ع) موسی‌الرضاع) به مشهد مشرف می‌شوید، سعی کنید از زیارت جامعه کبیره غافل نشوید و این راه مطمئن بناسید که حضرت به عموم زائرین نظر لطف دارند و زائری نیست که از زیارت محله مشهد مقدس بی‌بهره برگردد. در مراتب علمی آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای، همین بس که ایشان از ۳مرجع عظیم‌الشان در نجف اشرف، یعنی حضرات آیات عظام میرزا محمدحسین نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین غروی‌صفهانی (مشهور به کمپانی) اجازات‌اجتهاد متعددی دریافت کردند. ایشان پس از مراجعت از نجف، در مشهد مقدس اقامت می‌کنند و در مسجدجامع گوهرشاد و فرسوط صدیقی‌ها در بازار فرش فروش‌ها در نزدیکی حرم مطهر، اقامه نماز جماعت می‌کردند و از آنجا که در زهد و قداست برای عموم متدینین شناخته شده بودند، بسیاری از مومنین مشهد در نماز جماعت ایشان حاضر می‌شدند.

یکی از مراتب قداست ایشان، رعایت بسیاری از مستحبات بود. به‌عنوان نمونه وقتی در نماز جماعت ایشان شرکت کردم، با عمامه مشکی و نماد سیادت بودند، ولی در منزل با عمامه سفید در اتاق کتابخانه‌شان نشسته بودند و چون بسیار تعجب کردم، از ایشان پرسیدم: حضرت آقا شما که سید هستند، چرا عمامه سفید بر سر گذاشته‌اید؟ ایشان پاسخ دادند: استحباب در این است که انسان، همیشه یک دستار سفیدی بر سر داشته باشد و من چون سید هستم، هر‌گاه بیرون و به مسجد می‌روم، با عمامه مشکی می‌روم، ولی به محض اینکه به خانه می‌آیم، عمامه‌ام را عوض می‌کنم و عمامه سفید را بر سر می‌گذارم. … این ماجرا نمونه‌ای از رعایت مستحبات توسط این عالم مهذب بود و از مراتب زهد و فناعت ایشان هم حرف‌های زیادی هست که مطلب به درازا می‌کشاند…»

تاریخ جهان

انقلاب بلشویکی

کتاب «انقلاب بلشویکی» نوشته «سیلویا انگدال» را شهریانو صارمی به فارسی برگردانده و به‌تازگی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است.

انقلاب بلشویکی یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای سیاسی قرن بیستم بود؛ چرا که نه‌تنها در تاریخ روسیه بلکه در تاریخ

سراسر دنیا تأثیر بسزایی داشت و رژیم‌ی به‌وجود آورد که ۷۴سال دوام آورد و در اتحاد شوروی و بخش‌های دیگر اروپا موجب رنج‌های بی‌حد و حصر شد. اما فراتر از آن باعث ستیزه‌جویی فراگیری شد که به «جنگ سرد» معروف است. خطر جنگ هسته‌ای میان اتحاد شوروی و آمریکا که ده‌ها سال دنیا را تهدید می‌کرد هر دو جامعه را دستخوش تغییر کرد. در کتاب چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان انقلاب بلشویکی، رویدادهای منجر به این انقلاب، پیامدهای آن و تأثیری که در دنیای امروزی داشت بررسی می‌شود.

سیلویا لوئیس انگدال (زاده ۲۴ نوامبر ۱۹۳۳) نویسنده‌ای است که بیشتر برای داستان‌های علمی- تخیلی شناخته می‌شود. نخستین رمان او افسونگر از ستاره‌ها که توسط آنتیوم بوکر در سال ۱۹۷۰ منتشر شد، کتاب افتخاری نیوبری در سال ۱۹۷۱ بود و فینالیست جایزه گفن در سال ۲۰۰۸. او همچنین جایزه فونیکس را برای آن اثر برد. انتشارات ققنوس این کتاب ۱۶۷صفحه‌ای را در قطع وزیری به بهای ۶۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ جهان

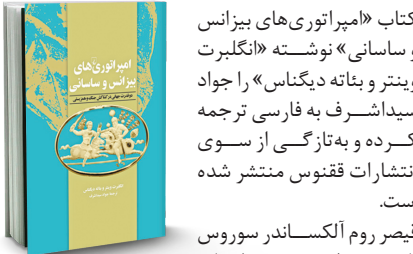
تصفیه‌های گسترده‌استالینی



کتاب «تصفیه‌های گسترده استالینی» اثر «نوح برلاتسکی» را شهریانو صارمی به فارسی برگرداند و به‌تازگی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است. امروزه در غرب ژوزف استالین را یکی از بی‌رحم‌ترین خودکامسگان و جانان تاریخ می‌شناسند، اما کسانی در روسیه هنوز او را به‌دلیل قدرت بخشیدن به روسیه و پیروزی در جنگ جهانی دوم تحسین می‌کنند. حتی در غرب هم هنوز کسانی پیدا می‌شوند که طرفدار استالین باشند. در کتاب چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان: تصفیه‌های گسترده استالینی، مؤلفان تحلیل‌های گوناگونی درباره دوران استالین در اتحاد شوروی و تأثیر پایدار رژیم او بر جهان امروزی ارائه می‌کنند. ژوزف استالین در اواخر قرن نوزدهم میلادی در خانواده‌ای نسبتاً تنگدست به دنیا آمد و بعد از طی کردن پله‌های ترقی در حزب کمونیست روسیه در نهایت به دبیر کلی این حزب رسید. حکومت استالین را بسیاری به «کیش شخصیت پرستی» و شیوه‌های مخف‌مخالفین محکوم می‌کنند.یکینا خروشچف، جانشین استالین، حکومت و کیش شخصیت استالین را در کشور معروف حزب کمونیست شوروی در ۱۹۵۶ محکوم کرد و پروسه استالین‌زدایی را آغاز کرد که بعدها برای چین و شوروی انجامید. انتشارات ققنوس این کتاب ۱۶۰صفحه‌ای را در قطع وزیری به بهای ۶۵هزار تومان منتشر کرده‌است.

تاریخ ایران

امپراتوری‌های بیزانس و ساسانی



کتاب «امپراتوری‌های بیزانس و ساسانی» نوشته «انگلیت وینتر و بناته دیگناس» را جواد سیداشرف به فارسی ترجمه کرده و به‌تازگی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است.

قیصر روم آلكساندر سوروس

با ترس و دلهره به حمله‌های ساسانیان واکنش نشان داد. او چندین بار کوشید با اعزام نمایندگان به راه‌حلی دیپلماتیک دست یابد. اما این تلاش‌ها با توجه به معطلات دوباره اردشیر درباره لزوم بازپس‌گیری سرزمین‌هایی که در گذشته به هخامنشیان تعلق داشت بی‌ثمر ماند. این کتاب به بررسی همه‌جانبه جدال بین ۲امپراتوری بیزانس و ساسانی می‌پردازد و مخاطب را با ماجراهای تاریخی و سیاسی و جذابی مواجه می‌کند. جنگ ایران و روم شرقی میان سال‌های ۲ تا ۶۲۸میلادی بین خسرو پرویز، شاه ساسانی و فوکاس و هراکلیوس، امپراتوران بیزانس بود که آخرین و بزرگ‌ترین جنگ از جنگ‌های ایران و روم شرقی به‌شمار می‌رود. با کشته شدن موریس، امپراتور بیزانس، در سال ۶۰۲ و پیش آمدن خلأقدرت و کودتای فوکاس برای تصاحب تاج و تخت، خسرو پرویز به فکر استفاده از این وضعیت و هجوم به مرزهای بیزانس افتاد. برای این منظور، وی حوض اینکه به خانه در به تخت‌نشینی خودش نقش داشت، دستاوژ قرار داد. انتشارات ققنوس کتاب «امپراتوری‌های بیزانس و ساسانی» نوشته «انگلیت وینتر و بناته دیگناس» را در ۲۰۳صفحه قطع وزیری و به بهای ۱۱۰ هزار تومان‌های بازار کتاب کرده است.